

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان دانشجویان دمکرات ایران



اردیبهشت ۱۳۵۴

سال اول، شماره ۲

گشتار جدید رژیم شاه

روز شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۵۴ شاه مجدداً دست به جنایت تازه ای زد و ۹ نفر از زندانیان سیاسی بیژن جزینی، حسن ضیاظریفی، عزیز سرمدی، عباس سورکی، مشعوف کلانتری، مصطفی جوان خوشدل، کاظم و آناوار، محمد جویا خزانه، احمد جلیل افشار، این رزمندگان انقلابی و فرزندان راستین خلق را بدست جلادان حرفه ای خود بقتل رسانید.

این خبر که در ابتدا از جانب خبرنگارهای خارجی انتشار یافت، از طرف مقامات رسمی دولت ایران نیز تصدیق شد. مقامات دولتی ایران مدعی شدند که این دروه هنگام انتقال از زندانی به زندانی دیگر قصد فرار کرده اند و پشربه دلوله محافظین بقتل رسیده اند.

این دروغ بقدری مفتضح است که نه تنها هیچک از سازمانهای مسئول بین المللی آنها را و نکرند، بلکه پرهش توجه کرده اند که برای قتل این زندانیان توطئه ای در کار بوده است. از جمله سازمان بین المللی عفو از دولت ایران خواسته است، باین سازمان امکان دهد تا یک دروه از پزشکان بیطرف را برای معاینه اجساد کشته شدگان و تشخیص این امر که این افراد بچه نوح کشته شده اند بایران اعزام دارد. لیکن تا لحظه انتشار این اعلامیه دولت ایران بساین تقاضای رسمی سازمان بین المللی عفو پاسخ نداده است.

دبیرخانه سارچی سازمان دانشجویان دمکرات ایران با بررسی تمام اخباری که در مورد این جنایت پلیسی از طرف منابع مختلف پخش گردیده و با در نظر گرفتن سوابق رژیم در انجسام جنایاتی همانند، باین نتیجه رسیده است که این فرزندان رشید خلق طبق نقشه قبلی از طرف رژیم خونخوار و بفرمان شخص شاه بقتل رسیده اند.

بیژن جزینی و همزمانش مدتها بود که در معرض کین حیوانی رژیم شاه قرار داشتند. او و رفقا پس از گذار از مراحل سخت مبارزه انقلابی باین نتیجه رسیده بودند که یگانه راه غلبه بر این رژیم ایران بریاد ده اتحاد تمام نیروهای مترقی، دمکرات و رزمنده ایرانی است. آنها منسادی وحدت در مبارزه علیه رژیم برای سرنگونی آن شده بودند.

قتل آنها نشان وحشت بیگران رژیم از این اندیشه و تحقق آنست، پیروزه با توجه به شرایط کنونی درون کشور و شرایط مشخص بین المللی. در درون کشور میانی سیاسی و پایتاز همسای اجتماعی رژیم پیش از هروقت دیگر متزلزل شده است. اوضاع اقتصادی کشور نابسامان است.

تورم، کزاتی و بیکاری ناشی از این ناپسامانی اقتصادی عرصه را براکثرت مردم تنگ کرده و بر سر راه علاج بین محافل چاکه ایران اختلاف بوجود آمده است. انبان تمام عوامی‌هایی های رژیم نیز شمه کشیده است. سردرگمی در کشورداری پانچا کشیده که شاه احزاب خود فرموده خودش را محل میکند و تحت عنوان "حزب رستاخیز ملی" در صدد تبدیل کشور بیک زندان بسزنگ زیر سایه فاشیسم نوع پهلوی است.

وضع بین المللی برای شاه و رژیمش در واقع هم وحشت انگیز است. سرهنگان سیاه یونان، فاشیسم پرتغال، امپراتوری حبشه و بدنبال آنها دو ژاندارم محلی یکی لوندول در کامبوج و دیگری تیو در ویتنام جنوبی بزباله دان تاریخ افکنده میشوند. امپریالیسم امریکا به چنان روزی افتاده که دیگر ژاندارمهای خود را نمیتواند حفظ کند. و این برای شاه ناقوس مرگ است. شاه با نظاره وضع داخل کشور و وضع بین المللی از بیم آینده خود و رژیمش دیگر هیچ مرزی در جنایتکاری نمیشناسد. ۹ نفر زندانی بید قاع و اسیر را فرمان کشتار میدهد، چرا که خواستار وحدت رزمندگان نیروهای مترقی و دمکرات و انقلابی ایران بودند.

- ما از کلیه هموطنان، دانشجویان مترقی، مردم دست و ضد فاشیست دعوت میکنیم که با استفاد
- از کلیه امکانات، با مراجعه به شخصیتهای دمکرات محلی و بین المللی، به سازمانهای مترقی و
- دمکرات در سراسر جهان و جلب پشتیبانی آنها، با ارسال تلگرامهای اعتراضی با قای دکتروالد هگ
- دبیرکل سازمان ملل متحد و دیگر مراجع بین المللی باین جنایت جدید رژیم دیکتاتوری شمشه
- اعتراض کنید.

دوستان، رفقا!

برده از چهره حیوانی و فاشیستی رژیم شاه بدرید و آنرا بیش از پیش بجهانیان به شناسانید
و افکار عمومی جهان را به پشتیبانی از مبارزات خلقهای ایران علیه این رژیم وحشت طلب کنید!

برای آزادی زندانیان سیاسی ایران مبارزه کنیم!

۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۴ دیرخانه خارجی سازمان دانشجویان
 دمکرات ایران

بیا ای کارگر

چو موجی مست و طوفانگرا

که خیزد از دل دریا

بجنب از جا

غریبوند از خشم آگین و ویران گر

تو پنجم دار خلقی و رهائی بخش این کشور

صالحه رزمی -

هرات - جمهوری افغانستان

۱۹۷۵

بیا ای کارگر!

بیا ای در نبرد زندگانی گسرد رزم آور

بیا هنگامه برپاکن

بر استبداد غوغا کن

بیا شو پرچم امید بالاکن

که آن غول از تو میترسد

پیروزی مبارزه دانشجویان ایران

دانشجویان مبارزه ایران برای بزرگداشت روز شهیدان دانشجوی و همچنین ستایش از قهرمانان شهید خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان روز ۱۶ آذر دست به اعتصاب زدند و در محیط دانشگاه تظاهراتی بعمل آوردند که موجب یورش کماندوهای پلیس به داخل دانشگاه گردید .

نشگاه
خوشونت کماندوهای پاپس بقدری نفرت انگیز بود که برخی از استاد یاران و استادان دا علی رغم مخاطراتیکه آنها را تهدید میکرد به پشتیبانی از خواستهای حق طلبانه دانشجویان برخاستند .

در این روز در دانشگاه به " آریامهر " دو دانشجوی شهید گردیدند و عده کثیری نیز به سازمان تروریستی امنیت بوده شدند . پس از این واقعه و یورش بهرمنشانه کماندوهای پلیس دانشجویان دانشگاه تهران و " آریامهر " در صدد برآمدند تا تظاهرات را که در محیط محدود دانشگاه صورت میگرفت به خارج از محیط دانشگاه منتقل سازند و پشتیبان افکار عمومی را نسبت به خواستهای حق طلبانه خود جلب نمایند .

دنباله این تظاهرات هنوز هم بصورت متراکم و گاهی پراکنده ادامه دارد و در این مورد میتوان از درگیری های خیابانی بسیاری که در تهران رخ داده از جمله در خیابانهای سیروس ، مولوی و ایزنهاور یاد کرد .
شعارهای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی دانشجویان همه جا مورد تأیید مردم کوچه و بازار قرار میگرفت .

مضاف بر این دانشجویان دانشکده علم و صنعت در نارمک ، دانشگاه مشهد و اصفهان نیز دست به تظاهرات اعتراض علیه رژیم زدند .

کماندوهای پلیس در این مورد نیز در منشانه به دانشجویان حمله بردند و از همان آغاز به استفاده از سلاحهای گرم و تیراندازی به دانشجویان پرداختند ، که در نتیجه :
— در اعتصابات دانشگاه مشهد ۸ نفر ،

— در اعتصابات دانشگاه اصفهان ۳ نفر و
— در اعتصابات دانشکده علم و صنعت دو نفر کشته شدند ، یکی بضرط گلوله و دیگری در زیر شکنجه .

در دانشکده پزشکی تهران نیز یکنفر بوسیله چند دانشجوی ارتشی بقتل رسید .
در طی این درگیری های خیابانی یکی از دانشجویان دانشکده علوم تهران نیز به ضرب گلوله از پای درآمد .

اخبار رسیده از ایران حاکی است که علیرغم ترور رژیم فاسد ایران و سبوحیت سازمان ترور امنیت و پلیس مبارزات سرسختانه دانشجویان مبارز دانشگاههای ایران هنوز ادامه دارد. روزی نیست که درگیری هائی بین دانشجویان با پلیس رخ ندهد. رژیم مغرور و وابسته به امپریالیسم پهلوی از دانشجویان مبارز ایران بوحشت افتاده و هرچند گاه یکبار با نفرت و کین تیزی باین فرزندان برومند خلقهای ایران میتازد و با کشتار، شکنجه و زندان از آنها انتقام میگیرد. این رژیم منحط و جهنمی بخوبی دریافته است که دانشجویان ایران در صفوف جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران جای محکمی دارند و پیوسته دوش بدوش آنها با ارتجاع داخلی و امپریالیسم درنبرد بوده و خواهند بود.

رژیم ایران که ناظر و شاهد سقوط رژیمهای مشابه خود در پرتغال، حبشه و بیتام جنوبی و کابوچ است میخواهد با کشتار مردم و دانشجویان از سرنگونی محتوم خود پیشگیری کند. چه تلاش عشی!

دوران حکومت رژیمهای سرسپرده به امپریالیسم و خائن به منافع خلقی به پایان رسیده است! اعتلای مجدد مبارزات دانشجویان ایران و اتحاد عمل آنها در مبارزه علیه استبداد داخلی و امپریالیسم جهانی گسترش بیشتر این مبارزات را نوید میدهد.

به آهنگ ترانه الهه ناز
خواننده بنان

ترانه زیر که از ایران آمده در مجله
دانشجویی اروپا از محبوبیت
خاصی برخوردار است.

قطره های خون

باز این در تخیم پلید
از گلستان خلق
گهائی تازه رس
از هراسش ربود

باز موج خشمی عظیم
در دل خرد و پیر
جوشان گشت و به پیش
تازه تر رونمود

آنها رفتند و دیگر از هر قطره خون
در بستان رزم خلق
زان پس تا کنون
هزاران گل شکفت

راه ما راه خلق است
دشمن سرنگون
پیکاری جان افروز و راهی پس گلگون
مملو از خیز و افت

در جهان به از این راهی بهرمانیست
راه ما جز ره خلق چیست
آنها رفتند و دیگر از هر قطره خون
در بستان رزم خلق
زان پس تا کنون
هزاران گل شکفت
راه ما راه خلق است
دشمن سرنگون
پیکاری جان افروز و راهی پس گلگون
مملو از خیز و افت

کارزار ضد رژیم گسترش مییابد

جنبش اعتراضی علیه جنایات فجیع رژیم شاه، که ۹ تن زندانی سیاسی بی سلاح را وحشیانه بقتل رساند، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و حفظ جان آنها را به نقطه عطف جدیدی رساند.

در زیر "آرمان" بخشهای اخبار مربوطه را فهرست وار درج میکند:

بلافاصله بعد از پخش خبر قتل ۹ تن زندانی سیاسی دبیرخانه خارجی سازمان دانشجویان دمکرات ایران در روز ۲ اردیبهشت با پخش چندین هزار اعلامیه در کشورهای مختلف جنایات رژیم شاه را برملا ساخت و اعتراض به کشتار تروریستی این رژیم وحشت را توسط دانشجویان دمکرات ایران سازمان داد.

بعمرود پخش خبر قتل ۹ زندانی سیاسی توسط خبرگزاری های خارجی روزنامه فرانسوی "هومانیته" در چندین شماره قطبهای چندین ساله رژیم را در ارتباط با کشتار این ۹ زندانی سیاسی منتشر و چهره جنایتکار رژیم شاه را بمردم فرانسه نمایاند.

سازمان عفو بین المللی خواستار ارسال گروه بیطرف پزشکی - حقوقی بین المللی بایران شد تا در مورد علل مرگ ۹ زندانی سیاسی تحقیق بعمل آید. این سازمان رسماً ادعای رژیم را درباره جریان کشتار ۹ زندانی سیاسی "باورنکردنی" نامید.

در هفته کتابهای سوسیالیستی در پاریس (۲۲ تا ۲۶ آوریل) نمایندگان دبیرخانه خارجی سازمان دانشجویان دمکرات ایران با برگزاری غرفه ای به افشاء جنایات رژیم شاه دست زد و برای خانواده زندانیان سیاسی کمک مالی جمع آوری کرد. کشیدن دانشجویان ایرانی برای اعتراض به سفارت ایران در لندن رفته و با پائین

عکس شاه و فرج و نصب عکسهای زندانیان سیاسی نفرت خود را به رژیم سلطنتی ابراز داشتند. سفیر ایران پلیس انگلستان را بکمک طلبید و تعدادی از دانشجویان به دادگاه جلب و جریمه شدند. این عمل سفیر ایران در جرایم انگلستان همانند "ستار صبح" منعکس و از این طریق مردم انگلستان به جنایات وحشیانه رژیم خفقان شاه آگاه گشتند.

در شهر هاینس - آلمان غربی - دانشجویان دمکرات ایرانی با جمع آوری چند صد امضا "زیر نامه اعتراضی به رژیم ددمنش شاه و دولت ایران به جلب افکار عمومی به

وضع زندانیان سیاسی ایران در ایران پرداختند. اعضا^۱ های جمع‌آوری شده توسط دبیرخانه خارجی سازمان دانشجویان دمکرات ایران به آقای دکتر والد هیم، دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال شد.

در تظاهرات ۴۰ هزار نفری بمناسبت روز پیروزی بر فاشیسم هیتلری دانشجویان دمکرات ایران در شهر فرانکفورت بوسیله پخش چندین هزار اعلامیه به افشای رژیم سیاه شاه و کشتار زندانیان سیاسی پرداختند.

همچنین دانشجویان دمکرات ایران در برلن غربی چندین هزار نسخه اعلامیه علیه رژیم شاه پخش کردند.

در شهر تریر - آلمان غربی - دانشجویان دمکرات ایرانی توانستند با پخش چندین هزار اعلامیه و درج آن در روزنامه محلی به تجهیز افکار عمومی علیه رژیم شاه بپردازند.

در شهر ماربورگ - آلمان غربی - دانشجویان دمکرات ایرانی در جشن بهار حزب کمونیست آلمان غرفه‌ای برای افشای رژیم فاشیستی شاه و شیوه‌های تروریستی آن بر گزار کردند و از طریق پخش اعلامیه و بحث‌علنی افکار عمومی را به خطری که جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید میکند، جلب کردند.

در روز ۲۹ آوریل از طرف کنفدراسیون جهانی در شهرهای کلن و بن - آلمان غربی - تظاهرات وسیعی برقرار شد و با پخش چندین هزار اعلامیه جنایات رژیم افشا گردید.

از روز پنجم ماه مه در وین ۴۰ نفر از دانشجویان ایرانی دست به اعتصاب غذا زدند. آنها ضمن اعتراض به کشتار ۹ تن زندانیان سیاسی، خواستار اعزام پزشک و نماینده حقوقی به ایران بودند.

روزنامه اطریشی "فولکس اشتیمه" در چهار شماره با انتشار عکسها و اخبار اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی و درج مقالاتی درباره وضع فعلی ایران و شیوه‌های تروریستی رژیم شاه در تجبیز افکار عمومی مردم اطریش نقش مهمی ایفا کرد.

رئیس حزب کمونیست اطریش تلکراف اعتراض زیرا به سفارت ایران در اطریش مخایر کرد: "حزب کمونیست اطریش با انزجار شدید به قتل ۹ تن از مخالفان رژیم شاه اعتراض میکند. شکنجه و اعدام آنها نفرت ما را علیه رژیم فاشیستی حاکم تشدید میکند، بدینوسیله ما بار دیگر همبستگی کامل خود را با نیروهای دمکراتیک ایران که مقاومت علیه این رژیم ضد انسانی را تدارک می‌بینند اعلام میداریم."

رادیو و تله ویزیون اطریش اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی را وضع اختناق حاکم بر ایران را منعکس کرد.

دانشجویان دمکرات ایرانی در ایتالیا با فعالیت وسیع و شایان توجه خود به افشای رژیم نفرت بار شاه دست زدند:



د تظاهرات

باشکوه

اول ماه مه

در پادوا

(ایتالیا)

دانشجویان

ایرانی با

شعارها و

پلاکات های

خود شرکت

کردند :

زندانیان سیاسی را آزاد کنید !

نیروهای تجاوزکار را از ظفار خارج کنید !

به کشاورزین پیرستان خاتمه دهید !

حزب فاشیستی شاه نه !

زنده باد خاطره شهیدان جنبش : گل سرخی ، دانشیان ، محکمات جو ، رضائی ها ،

جزئی ، ظریفی ، سعید صالحی ، ذوالانوار !

زنده باد مبارزه مردم ایران !

در حین تظاهرات شعارهای "ای جلا د ننگت باد" و "ایران آری فاشیسم نه !"

شنیده میشد .

چندین هزار بیانیه گروه دانشجویان ایرانی وابسته به سازمان دانشجویان دمکرات ایران

نیز در جریان تظاهرات پخش شد . این بیانیه قبل از سخنرانی رهبر سندیکای کارگران

در انشاء رژیم ضد کارگری ایران — قرائت شد . رهبر سندیکاه بنام کارگران ایتالیا

در سخنرانی خود پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات مردم ایران اعلام داشت .

در جلسه وسیعی که با شرکت برجسته ترین شخصیت های فرهنگی و اجتماعی ایتالیا

در دانشکده آرشیتکتور تشکیل شده بود ، پس از توضیحاتی که نمایندگ دانشجویان دمکرات

ایران داد ، قطعنامه ای صادر شد ، که در آن از جمله گفته میشود : " با تفرو تقییح

خبر کمتر زندانی سیاسی را دریافت کردیم . ضمن محکوم کردن این چنین اعمال

و حشیانه ای که نشان دهند تجاوز آشکار به ابتدائی ترین حقوق انسانی است ، از تمام

سازمانهای دمکراتیک و ضد فاشیست میخواهیم که بخنایات رژیم ایران اعتراض کند و از دولت

بخواهند که به هیئتی برای تحقیق درباره چگونگی مرگ زندانیان سیاسی اجازه ورود به ایران را بدهند. این قطعنامه را رئیس پارلمان ایتالیا، چند تن از وکلای مجلس، رهبر سندیکای فلزکاران ایتالیا، که بزرگترین سندیکای این کشور است، رئیس دانشکده آرشیوتکسور و عده زیادی از شخصیت‌های اجتماعی دیگر ایتالیا امضا کرده‌اند.

روزنامه "اوتینا" پیام روشنفکران ایتالیا را نسبت به تضییحات در ایران منتشر کرد. در آن برجسته‌ترین روشنفکران ایتالیا مردم را به پیگار هم‌دردی با مردم ایران دعوت میکند و از دولت ایتالیا میخواهند که برای اجرای اعلامیه حقوق بشر در ایران و جلوگیری از جنایات رژیم فاشیستی حاکم اقدامات لازم را معمول دارد.

روزنامه "گاکس نویس بلنتر" چاپ استکهلم در مقاله مفصلی زیر عنوان "هسته‌های مقاومت در ایران منفجر میشود" توجه افکار عمومی سوئد را به جنایات ساواک و شکنجه زندانیان سیاسی ایران جلب میکند.

دانشجویان دمکرات ایرانی در ترکیه با پخش چندین هزار اعلامیه‌های متعددی که "آرمان" بخاطر اهمیت بخشی از آنها رادر این شماره چاپ میکند، به تجهیز افکار عمومی پرداختند و رژیم دیکتاتوری خود کاه شاه را افشا کردند :



در اعلامیه دانشجویان دمکرات ایرانی در ترکیه از جمله گفته میشود :

"صدای اعتراض خود را علیه سیاست تسلیحاتی رژیم که نتیجه کار و کوشش طبقه کارگر ایران را بسود پیمانگران امپریالیست به‌درد میدهد و یکی از مهشترین عوامل نازل بولشوی سطح دست‌مزد و زندگی کارگران ایران است بلند کنند و پشتیبانی خود را از جنبش اخیر دانشجویان و جوانان غیر ایران علیه این سیاست خانه برانداز اعلام دارند."



میلادته برای آزادی زندانیان سیاسی.....

اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری فرط اصلی پهلوی است.....

دانشجویان عزیز!

مجله "آنتی امپریالیستی" اینفورمسیونس بولتن (بولتن اخبار ضد امپریالیستی) شماره یک، ژانویه ۱۹۷۵ مقاله ای زیر عنوان "ایران، کعبه نوین انحصارات آلغان باختری" چاپ کرده است.

آنها بخوانید و خواندن آنها به دوستان آلمانی زبان خود توصیه کنید.

چگونه

مائوئیست‌ها از افشای رژیم شاه جلوگیری میکنند

همه میدانند که مائوئیست‌های چینی، حتی زمانیکه چین و ایران مناسبات دیپلماتیک نداشتند، هیچگاه کلمه‌ای هم علیه رژیم شاه ابراز نکردند. برعکس، مغالزات پشت پرده (از جمله ملاقات مخفیانه اشرف پهلوی با چوشن لای در بهار سال ۱۳۴۵ در اندونزی، در مراسم دهمین سال کنفرانس یاندوکی) و مخالفت با اعتراض به سیاست ضد دموکراتیک رژیم شاه (از جمله خوداری نماینده چین از امضای قطعنامه اعتراض به بازداشت حکمت‌جو و خاوری و گروه ۱۴ نفری، در جریان اجلاس عمومی فدراسیون سندیکای جهانی در سال ۱۹۶۵) حتی در آن زمان جزئی از سیاست مائوئیست‌های چینی در ایران بود، که در واقع میبایست زمینه دفاع آشکار بعدی راز رژیم شاه فراهم کند. با اینهمه در آن زمان چون دفاع مائوئیست‌های چینی از رژیم شاه کاملاً آشکار نشده بود، این امکان برای مائوئیست‌های ایرانی و در پیشاپیش آنها مائوئیست‌های "توفان" و "ستاره سرخ" وجود داشت که اذهان ساده رادرمورد ماهیت واقعی سیاست پکن در مورد رژیم شاه بفریبند.

ولی از آن زمان که دفاع مائوئیست‌های چینی از رژیم شاه آشکار گردیده، کار مائوئیست‌های ایرانی گوش‌بفرمان پکن سخت دشوار شده است. دشواری در اینجا است که مائوئیست‌های ایرانی مجبورند برای هواداران معدود خود ماسک خویش را بعنوان مخالف رژیم شاه همچنان حفظ کنند، در حالیکه وظیفه دارند هم سیاست مائوئیست‌های چینی را در دفاع از رژیم شاه توجیه کنند و هم در عمل از مبارزه نیروهای انقلابی ایران برضد رژیم شاه جلوگیری کنند.

مائوئیست‌های گوش‌بفرمان پکن چگونه این وظیفه را انجام میدهند؟

گرد و خاک مائوئیست‌های گوش‌بفرمان پکن برضد رژیم شاه و امپریالیسم البته ادامه دارد، تا بتوان هواداران معدود را همچنان فریب داد و حفظ کرد. ولی باینکه این گفتار فقط در حرف است، زمینه فکری برای دفاع از رژیم شاه ایجاد میشود. وقتی "توفان" هشدار میدهد که باید مواظب بود که رژیم‌هایی مانند رژیم‌های کشورهای اروپای شرقی در ایران برقرار نگردد، وقتی "توفان" خطر نفوذ شوروی رادرایران "بیشتر از خطر تسلط امپریالیسم آمریکا در ایران میدانند، وقتی "توفان" سیاست نظامیگری و تسلط رژیم را "واکنش" رژیم شاه در برابر "خطر نفوذ شوروی" تلقی میکند، وقتی "توفان"

معتقد است که " در حال حاضر مهم‌انقدر تبلیغ سرنگونی نیست" (توفان شماره ۹۱)،
 وقتی "توفان" و "ستاره سرخ" و همه مائوئیستهای گوش بفرمان پکن " دشمن اصلی"
 را در صحنه جهانی اتحاد شوروی و در صحنه ایران حزب توده ایران و آنمود میکنند،
 همه اینها چیزی جز دفاع از رژیم شاه و امپریالیستهای پشتیبان آن نیست!

دیگر اینکه مائوئیستهای گوش بفرمان پکن، در عین دفاع در راست از سیاست پکن، در مورد
 سیاست مائوئیستهای چینی در دفاع از رژیم شاه سکوت کرد هاند. آن دفاع عمومی و
 در راست از سیاست پکن و این سکوت در مورد ایران نیز چیزی جز صحنه گذاشتن بسسه
 پشتیبانی پکن از رژیم شاه نیست.

و اما در صحنه عمل مائوئیستهای ایرانی در خارج از کشور با تمام قوا میکوشند از هرگونه
 مبارزه جدی و واقعی برضد رژیم شاه جلوگیری کنند.
 به صحنه فعالیت‌های سیاسی خارج از کشور بنگرید:

در زمانی که لزوم تشدید مبارزه برضد رژیم شاه و اتحاد همه نیروهای ضد رژیم شاه بیش
 از هر وقت دیگری آشکار است، مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" و سایر مائو-
 ئیستهای گوش بفرمان پکن در سازمانهای دانشجویی وابسته به کنفدراسیون و در هر
 مجمع دیگری، در هر بحثی که بعیان میکنند، بجای اینکه رژیم شاه را در مرکز اصلی انتقاد
 خود قرار دهند، لبه تیز حمله را متوجه اتحاد شوروی و حزب توده ایران میسازند، و در
 هر بحثی که دیگران بعیان میکنند، این بحث آگاهانه و با استفاده از هر وسیله نامشروع
 از طرف مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" از مسیر افشاکاری برضد رژیم شاه خارج
 میشود و بوسیله‌ای برای حمله برضد اتحاد شوروی و حزب توده ایران تبدیل میگردد.
 این روش ننگین در مورد اتخاذ تصمیم درباره هر نوع آکسیون ضد رژیم شاه نیز از طرف
 مائوئیستها "توفان" و "ستاره سرخ" دنبال میشود.

نتیجه چنین وضعی روشن است:
 افکار دانشجویان از وظیفه اصلی و واقعی، یعنی تجهیز همه نیروها برای تشدید مبار
 ضد رژیم شاه منحرف میشود، اختلاف و نفاق بین نیروهای ضد رژیم حفظ میشود و حتی
 گاه تشدید میشود و قدرت عمل جدی و واقعی از نیروهای ضد رژیم سلب میگردد.
 بسخن دیگر نیروی که میتواند و باید متحداً برضد رژیم شاه مبارزه کند، عملاً فلج
 میگردد.

آیا سازمان امنیت بهتر از این میتواند جلوی مبارزه برضد رژیم را بگیرد؟
 مسلمانان!

در این زمینه يك نمونه تازه و برجسته بویسره روشن کننده و افشاگر است:
 پرویز حکمت جو پس از ده سال زندان توان فرسا، زیر شکنجه سازمان امنیت، بخاطر

دفاع از آرمان انقلابی خود شهید شد. همه نیروهائی که صادقانه علیه رژیم شاه مبارز میکنند، صرفنظر از اختلاف در عقاید سیاسی وایدئولوژیک، این جنایت ساواک را محکوم کردند. ولی مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" نه فقط در این محکوم کردن ساواک شرکت نکردند، بلکه هیئت دبیران کنگد راسیون، که پیروی از افکار عمومی این جنایت ساواک را محکوم کرد، "اعتراض" کردند، در مونیخ مائوئیستهای "توفان" عکس حکمت جو را از هلاکات شهدا، که توسط هیئت دبیران کنگد راسیون منتشر شده بود دور کردند و سرانجام با مقایسه حکمت جوی قهرمان و شهید با هلمزرئیس سابق "سیا" و سفیر کنونی امریکا در ایران، عملاً به قتل حکمت جو توسط ساواک صحه گذاشتند.

مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" به این اعمال ننگین اکتفا نکردند. در ماهها گذشته آنها بحثهای سازمانهای دانشجویی وایسته به کنگد راسیون را عملاً به بحث درباره درستی و یا نادرستی تصمیم هیئت دبیران در مورد اعتراض به قتل حکمت جو توسط ساواک محدود ساختند. آنها حتی بحث اصلی پانزدهمین کنگره کنگد راسیون را هم به این موضوع اختصاص دادند.

آیا سازمان امنیت خودش میتواندست به ایسن شکل از جنایتش دفاع کند ؟
 آیا سازمان امنیت میتواندست بهتر از این افسکار عمومی دانشجویان خارج از کشور را از مبارزه بر ضد رژیم شاه و امپریالیستهای پشتیبانش منحرف سازد ؟
 آیا سازمان امنیت بهتر از این میتواندست قدرت عمل را از نیروهای ضد رژیم شاه در خارج از کشور برای محکوم ساختن این جنایت ساواک سلب کند ؟
 مسلماً نه !

بدینسان مائوئیستهای گوش بفرمان پکن، و در پیشاپیش آنها مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" با دفاع درست از سیاست پکن، با سکوت در مورد سیاست پکن در دفاع از رژیم شاه، با منحرف کردن افکار عمومی در خارج از کشور از توجه به مبارزه بر ضد دشمن اصلی و واقعی، یعنی رژیم شاه و امپریالیستهای پشتیبانش، با ایجاد زمینه فکری برای دفاع از رژیم شاه، با نفاق افکنی در بین نیروهای ضد رژیم شاه، با فلج کردن عملی فعالیتهای ضد رژیم شاه در خارج از کشور، مشغول انجام وظیفه ای است که از طرف پکن به آنها واگذار شده است، مشغول پیاده کردن مائوئیسم در صحنه سیاست ایران، که چیزی جز دفاع از رژیم شاه و خیانت به جنبش انقلابی مردم ایران نیست.

گرد و خاک ظاهری آنها علیه رژیم شاه از شدت و عمق این خیانت نمیکاهد، بلکه فقط دور و فریبکاری آنها را به اثبات میرساند.

قیافه واقعی مائوئیستهای "توفان" و "ستاره سرخ" و همه مائوئیستهای ایرانی گوش بفرمان پکن، بعنوان خائنین به جنبش انقلابی مردم ایران، از پشت ماسک انقلابیگری

کاذب روز بروز بیشتر آشکار میشود •
 وظیفه نیروهای انقلابی است که روند این نقاب دری را تسریح کنند و با این عمل
 انقلابی تجهیز و اتحاد همه نیروهای ضد رژیم شاه را تسریح کنند و تحقق بخشند •

همکاران ساواک

با رشد و توسعه مبارزات سازمان دانشجویان دمکرات ایران در خارج از کشور، همانطور
 که انتظار میرفت، مائوئیستها بدست و پا افتاده اند •
 آنها از سازمانهای دانشجویی میخواهند که به شیوه سازمان امنیت به "کشف" و
 "تعقیب" دانشجویان دمکرات ایران پرداخته، امکان فعالیت آنها را محدود سازند؛
 خواست مائوئیستها جلوگیری از فعالیت ضد رژیمی دانشجویان و وابسته به سازمان دانشجو
 یان دمکرات ایران است • و از آنجا که آنها نمیتوانند با نظریات پیشنهادها و فعالیت
 های سازمان دانشجویان دمکرات ایران بمقابله پردازند، چاره ای ندارند جز آنکه به
 "کشف" و "تعقیب" دانشجویان وابسته به سازمان دانشجویان دمکرات ایران به
 پردازند و بکمک تهمت و افتراء به مبارزه شخصی علیه آنها دست بزنند •
 حالا دیگر آشکار است که مائوئیستها بانواع حیل میکوشند لبه تیز مبارزه را از سوی رژیم
 شاه برگردانند •

چه بسا آنها در لباس جاسمی ها، نیکخواه ها، لاشائی ها و دیگران آگاهانه در خدمت
 رژیمند!

آیا مبارزه و آنتهم مبارزه نه با افکار، نظریات و پیشنهادها بلکه با افراد وابسته به
 سازمان دانشجویان دمکرات ایران کار پلیسی نیست؟
 آیا مبارزه با سازمانی که هدف اعلام شده اش عبارت است از:

نبرد "همراه با خلقهای ایران و در پیوند ناگسستنی با طبقه کارگر و همه زحمتکشسان
 ایران" و پشتیبانی "از هر سازمان و گروه سیاسی و صنفی همه دانشجویی و چه غیر دانشجویی
 ای که صادقانه در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شرکت کند و برای اتحاد نیروها
 ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بکوشد" و مبارزه قاطعانه علیه "هر نیرو و عاملی که
 پیکار ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خلقهای ایران را تضعیف کند و در اتحاد نیروها
 ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری موجب اختلال و پراکندگی شود" خدمت به رژیم شاه
 نیست؟

دست‌ردي کم‌اعضا، مترقی و دمکرات جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور، از جمله در مورد خواست مائوئیستها به "کشف" و "تعقیب" دانشجویان وابسته به سازمان دانشجویان دمکرات ایران می‌زنند، نشانه رشد جنبش دانشجویی، نمایشگر ارتقا آگاهی سیاسی آن و نوید بخش پیشرفت بسوی هدف والای اتحاد برای پیروز است.

خدمت‌برریم ضد ملی‌و ضد دمکراتیک حاکم در ایران از طرف مائوئیستهای "توفانسی" و "ستاره سرخی" بقدری عیان است که حتی این افراد از پخش ضمیمه آرمان "چهره بی نقاب رژیم شاه" توسط دانشجویان مترقی در شهر کلن آلمان غربی بمسک مامورین سازمان امنیت جلوگیری بعمل آوردند. از طرف دانشجویان مائوئیست در خدمت ساواک روزنامه دیواری ایکه در آن کشتار ۹ زندانی بیدفاع به وسیله رژیم فاشیستی ایران افشا شده بوده، پاره کردند این خادمین پارتجاع از افشا رژیمهای ارتجاعی حامی خود بشدت وحشت دارند.

این اولین بار نیست که ارتجاع و امپریالیسم میکوشد که با استفاده از تمام امکانات از افشا و مبارزه دانشجویان ضد امپریالیست جلوگیری کند، ولیکن جنبش دانشجویی مترقی ایران بارها نشان داده است که از آن حد از آگاهی سیاسی و سازمانی بر خوردار است، تا بتواند با وجود این دشواریها راه خود را به پیش بکشد.

در اینمورد در شماره آینده بیشتر خواهیم خواند.

دفاع مائوئیست‌های پکن از رژیم شاه

اظهارات‌لی حسین نین نایب‌نخست‌وزیر جمهوری توده‌ای چین هنگام دیدارش از ایران

"دوستان، هر دو کشور (یعنی ایران و چین آرمان)، مورد تجاوز، ظلم و ستم استعمار امپریالیسم قرار گرفته بودند."
تکیه از آرمان. نقل قول از اطلاعات مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۵۴ و پکین روند شا مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۷۵ شماره ۱۵.

آیا کشور ایران فقط در گذشته مورد ظلم و ستم استعمار امپریالیسم قرار گرفته بود و اکنون دیگر چنین نیست؟

همبستگی جوانان مترقی ایران و فرانسه تحکیم میشود

در روزهای اول تا چهارم ماه مه ۱۹۷۵ کنگره جنبش جوانان کمونیست فرانسه در پاریس برگزار شد.

جنبش جوانان کمونیست فرانسه که تحت رهبری حزب پرافتخار کمونیست فرانسه، مظهر شکل مترقی ترین جوانان فرانسه است، با برگزاری موفقیت آمیز کنگره خود گام نوین بزرگی در مبارزه جوانان مترقی فرانسه بخاطر صلح و دمکراسی و سوسیالیسم برداشت.

شرکت ۵۳ هیئت نمایندگی از سازمانهای جوانان کمونیست و دمکرات از سراسر جهان، از جمله جنبش جوانان هوشی مین و سازمان آزادیبخش فلسطین و سازمانهای بین المللی معتبری مانند فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و اتحادیه بین المللی دانشجویان در این کنگره، گواه حیثیت و اعتبار جنبش جوانان کمونیست فرانسه در میان جوانان مترقی جهان و همبستگی آنها در مبارزه مشترک بخاطر امر مشترک بود.

بنا به دعوت جنبش جوانان کمونیست فرانسه، هیئت نمایندگی سازمان دانشجویان دمکرات ایران نیز در این کنگره شرکت داشت.

شرکت نمایندگان جوانان و دانشجویان مترقی و دمکرات ایران در کنگره جنبش جوانان کمونیست فرانسه نشانه پیوند دوستی و برادری سنتی بین جوانان مترقی ایران و فرانسه بود، که در این کنگره تحکیم شد. یادآوری ژرژ مارش، دبیرکل حزب کمونیست فرانسه از کشتار مهین پرستان ایران در نطق خود در کنگره، استقبال گرم نمایندگان کنگره از نطق نماینده سازمان دانشجویان دمکرات ایران و برخورد های دوستانه ای که بین نمایندگان سازمان دانشجویان دمکرات ایران و نمایندگان کنگره روی داد، همه نشانه همبستگی نیروی پیشروان جوانان فرانسه با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری جوانان و دانشجویان ایران بود.

در زیر متن سخنرانی نماینده سازمان دانشجویان دمکرات ایران در کنگره جنبش جوانان کمونیست فرانسه به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد :

رفقا گرامی ! جوانان و دانشجویان دمکرات ایران درود های گرم و برادرانه خود را به کنگره جنبش جوانان کمونیست فرانسه و توسط این کنگره به تمام جوانان کمونیست فرانسه میفرستد. این درود ما مؤید دوستی و همبستگی دو سازمان و بیان کننده اهمیت مبارزات ارزشمند شماست.

در شرایط کنونی بحران عمیق سیستم سرمایه داری که تنها هدفش بهره کشی بیشتر از ز است و صد ها هزار جوان را به بیکاری کشانده است، ما برای مبارزه واقعی و راستین شما

بمنظور تجهیز و تشکل جوانان از تمام اقشار جامعه ارزش فراوان قائلیم .
 مبارزه شما در کنار حزب پرافتخار کمونیست فرانسه بمنظور اتحاد خلق فرانسه و پیروزی پرنا
 مشترک در مرحله کنونی مبارزات طبقاتی در کشورهای سرمایه داری در روند تغییرات بزرگ
 که در جهان بسود صلح و سوسیالیسم صورت میگیرد موثر است .

در شرایط دشوار کشور ما مردم و جوانان ما سالهاست که برضد یک رژیم دیکتاتوری و ضد
 دمکراتیک در پیکارند . این رژیم بوسیله امپریالیسم آمریکا پس از کودتای ۱۹۵۳ که توسط
 " سیا " صورت گرفت به خلق ما تحمیل شد و از آن تاریخ تاکنون رژیم شاه بتاراج منابع
 ملی ما بسود امپریالیستها بهیژه اربابان امریکائی خود هکمرسته است .
 در سال ۱۹۷۴ درآمد نفت ایران به ۱۰۵ میلیارد فرانک یعنی حدود نصف بودجه فرا
 رسید . در همین سال "کمک خارجی " ایران به ۹ میلیارد دلار رسیده بود . بین کشور
 هائی که از ایران "کمک " دریافت کرده اند باید از آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و آفریقای جنوبی
 نام برد .

این منابع میتواندست بصورت بهتری به مصرف برسد ولی هدف شاه از این " کمکها " هم پیوند
 عمیق ایران با امپریالیسم جهانی و تضمین و حفظ آن گونه نظام اجتماعی است که این مستبد
 خونخوار درک میکند . این " نظام " هم تنها بوسیله ساواک (محصول عمده مشترک سیاه
 ماساد اسرائیل و سدک فرانسه) نگهداری میشود .

ساواک وسیله اصلی سرکوب پلیسی است که قدرت شیطنانی خود راهمه جاگسترده و در همه
 امور کشور مداخله میکند . هم اکنون تعداد زندانیان سیاسی را سیاهچالهای شاه بین
 ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر تخمین میزنند . عده ای از آنها عضو حزب توده ایران هستند که
 از سال ۱۹۴۷ در زندان بسر میبرند . زندانسان سیاسی زیر شکنجه های گوناگون ، از
 کشیدن ناخن و اجاق برقی گرفته تا تزییق کاردیازول قرار میگیرند . ماورین جنایتکار شاه
 هم اکنون شیوه های پربرمنشانه ای را که هدف آنها از بین بردن جسی مقاوم ترین زندانیان
 سیاسی است در پیش گرفته اند .

پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از ۱۰ سال زندان در ماه ژوئن
 سال پیش در زیر شکنجه بقتل رسید . از طرف دیگر از ماهها قبل دهها زندانی سیاسی
 را بزیر شکنجه کشیده بودند و ۱۵ روز پیش گزیه های شاه ۹ نفر از آنها را به بهانه اینکه
 قصد فرار داشتند در زندان بگلوله بستند .

سرکوب ازمرزهای ایران نیز پافراتر نهاده است . شاه با تشکیل ارتش ۳۵۰ هزار نفری که
 نیرومندترین ارتش خاورمیانه است نقش ژاندارم خلیج فارس را بر عهده گرفته است . او در
 جنگ استعماری برضد جنبش آزاد بیخش ظفار شرکت دارد .

ولی علیرغم ترور و تیربارانها رژیم فاشیستی شاه نتوانسته است زحمتکشان و جوانان و دانشجو
 را بزانو درآورد . مردم ایران در مبارزات دشوار خود علیه امپریالیسم و نوکرائش به همبستگی
 فعال جوانان کمونیست فرانسه اطمینان دارند .

سه یاد کنگ و جنبش جوانان که نسبت فرانسه ا

زند، باد همبستگی ضد امپریالیستی !
 زند، باد جنبش جوانان کمونیست فرانسه !
 زند، باد سوسیالیسم !

سازمان دانشجویان دمکرات ایران

نمایند، سازمان دانشجویان دمکرات ایران بنا به دعوت سازمان دانشجویان پرتغال در
 جشن اول ماه مه زحمتکشان پرتغال شرکت کرد .
 بعلمت تراکم مطالبه‌جویان این سفر جالب بعسدا به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد .

نامه سرگشاده

خلبان عزیز، که نه چهره ات را دیده ام و نه نامت را میدانم .
 در تلویزیون دیدم که چگونه با آن هواپیمای امریکائیت، مثل یک کوسه خشمگین بالا و پائین
 میشدی و قصب و نفرتت را بشکل موشک روی کاخ ریاست جمهوری سایگون خالی میکردی .
 من حدس میزنم همه کسانی که به سرنوشت ویتنام علاقمند اند — کدام انسان آزاده است
 که نیست ؟ — بر تو آفرین گفتند .

اما یک کله دوستانه هم هست !
 تو اینقدر دیر دست بکار شدی که عملت فقط ارزش سمبولیک پیدا کرد، عیادر بهترین حال
 آخرین مدافعان نظامی وان تیو را بافکر انداخت . انظار را متوجه ساخت که در ارتش
 و نیروی هوایی هم غلغل میجوشد .

آیا نمیتوانستی زودتر باین فکر بیفتی که این حکومت مستحق نابودی است ؟ و همکارانت
 را از خماری و تخدیر تبلیغات امپریالیستی بیرون آوری ؟ و دست بدست هم بدهید و
 با ارتش نجات بخش همکاری کنید تا قال تیو و امریکا زودتر کنده شود ؟

میپرسی زودتر کی است ؟ زودتر یعنی قبل از اینکه یک میلیون و نیم هموطنت کشته شوند .
 آیا باید جنگلها مسموم و بی برگ، عچهره خاک از بهاران آبلرو، کودك هایی مادر و مادرها
 بی فرزند شوند تا ما بخود آئیم ؟

آیا قرحه امپریالیسم امریکا باید پانزده سال چرك فساد، فقر، وحشاء بیرون بریزد تا
 بفکر سوزاندنش بیفتیم ؟

افسوس ! تا تو بخود آمدی یک میلیون و نیم مرد و زن و کودك هموطنت بانواع مختلف جان
 دادند .

آن دختر جوانی هم که میتواندست همسر تو شود، متن لطیفش در آتش ناپالم زغال شد .
 آیا همیشه باید دیر شروع کرد ؟

خلبان عزیز ایرانی ! آیا باید همیشه دیر شروع کرد ؟

نتیجه‌گیریهای مهم از پیروزی درخشان خلق قهرمان ویتنام

روز سی ام آوریل ۱۹۷۵، دولت دستنشانده امپریالیسم امریکا در سایگون یدنیال پیشرفتهای سریع چند هفته اخیر ارتش آزاد یپخش، تسلیم بلا قید و شرط خود را اعلام کرد و حاکمیت خلق بوسیله دولت موقت انقلابی ویتنام جنوبی در سراسر بخش جنوبی ویتنام مستقر گردید.

دو هفته قبل از این پنوم پن - پایتخت کامبوج بوسیله نیروهای خلق سقوط کرد، در آنجا نیز دولت دستنشانده امریکا ساقت شد و قدرت حاکمه به تصرف نیروهای خلق درآمد.

پیروزی درخشان خلقهای ویتنام و کامبوج واقعه‌ای است با اهمیت بزرگ تاریخی. این پیروزی منشاء تأثیرات عمیقی نه تنها در آسیای جنوب خاوری، بلکه در سراسر جهان خواهد گردید و بنابراین توجه نیروهای استقلال طلب و آزاد یخواه به نتایج عمده‌ای که از این پیروزی حاصل میگردد، ضرور و مبرم است.

پیکار استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه دراز مدت خلق ویتنام بر ضد سه دولت امپریالیستی ژاپون، فرانسه و امریکا خود حماسه‌ای است که درباره آن کتابها نوشته شده و خواهد شد. ما در این مختصر مجال تجلیلی در خورد این حماسه نداریم و فقط بئوسه خود در برابر این خلق قهرمان سر تحظیم و تکریم فرود میاوریم.

آنچه در این مقال میخواهیم توجه خواننده را بدان جلب کنیم همان نتایج عمده چند است که از پیروزی نهائی و کامل خلق ویتنام بر دیسو امپریالیسم امریکا میتوان گرفت.

پیروزی فاطح و کوبنده خلق ویتنام بر امپریالیسم امریکا و شکست رسوای این درنده متجاوزی که تا یک دهه پیش دعوی " پرتاب سوسیالیسم بحقب " و استقرار سلطه بر جهان داشت، قبل از هر چیز بیانگر نقطه عطفی در روند دائم شتابنده تغییر سرتاسر قوا بسود سوسیالیسم و آزادی ملل و بزبان امپریالیسم و اسارت ملل است.

پیروزی فاطح و نهائی خلق ویتنام بر امپریالیسم امریکا، پیروزی خلقی است که متحد ا برای کسب استقلال و آزادی خویش علیه دشمن متجاوز و ارتجاع داخلی همدست او و به پیکار برخاسته، در این پیکار متشکل، منضبط، سرسخت، شجاع و کاردان بوده، در تمام جبهه‌های نظامی، سیاسی، ایدئولوژیک، دیپلماتیک پیکار نموده، بر کشورهای سوسیالیستی و بویژه بر اتحاد جماهیر شوروی، بر تمام نیروهای مترقی، دمکراتیک و

صلح طلب جهان تکیه نموده، از کجکهای انترناسیونالیستی همه جانبه اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده است.
 هرگاه خلقی در شرایط دوران ما متشکل، متحد و توده ای برای کسب استقلال و آزادی خویش به مبارزه پیگیر ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی برخیزد، با برخورداری از کمک انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد جماهیر شوروی، بطور قطع پیروز خواهد شد.

پیروزی خلق ویتنام بیانگر درخشان سیر تحولی است که بویژه در چند ساله اخیر دم پد با سرعت بیشتر در جهان رخ میدهد. علائم این تحول را میتوان در پرتقال، در یونان، در ایتوی، در کامبوج، در شکست سیاست نفتی آمریکا، در شکست سیاست آمریکا در مورد اسرائیل و اعراب، در مناسبات آمریکا با دیگر کشورهای امپریالیستی "متحد" در تزلزل همواره شدیدتر پایه های بلوک بندی های نظامی امپریالیستی و غیره و... و متقابلاً در پیشرفت سیاست اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در همه زمینه ها و در همه جا مشاهده کرد.

و این در زمان و بهنگامی است که سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز پیروزمندی حاصل میکند و بر مبنای آن مناسبات بین دولت های کشورهای دارای نظام های اجتماعی سوسی کونگون استقرار می یابد. بنابراین نتیجه عمده دیگری که میتوان و باید گرفت اینستکه پیشرفت و پیشبرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز برخلاف دعوی مغرضانه رهبری مائوئیستی پکن نه فقط مغایر با تحولات انقلابی و رهائی بخش ملی نیست، بلکه درست برعکس، با مهار امپریالیسم، بهترین شرایط را برای این تحولات فراهم میسازد.

پیروزی نهائی و قاطع خلق ویتنام اعلام شکست دکترین معروف به "دکترین گوام" (یا دکترین نیکسون) امپریالیسم آمریکا است. دکترین گوام خود اعلام شکست عملکرد سیاست امپریالیسم آمریکا بحنوان ژاندارم بین المللی، ضمن واگذاری نقش سلطه طلبانه امپریالیسم آمریکا به ژاندارم های تابع محلی بود. ولی با فلج شدن کار تجاوز مستقیم آمریکا، در رژیم آفریده و دست نشانده او، در ژاندارم محلی تادندان مسلح او در کامبوج و در ویتنام جنوبی، طی زمان بسیار کوتاهی زیر ضربه نبرد تسوده ای با رسوائی ساقط شدند. نتیجه اینکه در برابر جنبش های آزاد بیخشی ملی، دیگر امپریالیسم فطرتاً متجاوز آمریکا نه تنها از اعمال سیاست ژاندارم بین المللی برنی آید بلکه توان حفظ ژاندارم های محلی خود را نیز از دست میدهد.

ضمن پرهیز از هرگونه تقلید الگوئی، نتیجه کلی که ما ایرانیان میتوانیم از پیروزی خلق ویتنام بگیریم اینستکه با اتحاد نیروهای ضد رژیم، با تدارک قیام توده ای و انجام آن در لحظه مساعد، با تکیه بر نیروی سوسیالیسم جهانی و همه نیروهای مترقی جهان،

میتوان و باید در آینده ای نه چندان دور، رژیم خونخوار و خائن شاه - این ژاندارم
محلّی امپریالیسم - را واژگون کرد *



■ از پیروزی ارتش نجاتبخش اتحاد شوروی بر دد فاشیسم هیتلری تا پیروزی ارتش
■ آزادپبخش خلق ویتنام بر امپریالیسم امریکا و ژاندارم محلّی اش فقط سی سال
■ میگذرد * اما در این دوران از نظر تاریخی کوتاه نیروی سوسیالیسم و در پیوند
■ با آن پیکارهای آزادپبخش ضد امپریالیستی ملل مستعمره آنچنان رشد یافتند
■ که تناسب قوا بین نیروی نو و کهن بسود نیروی نوین - صلح، ترقی، آزادی و
■ سوسیالیسم - برای همیشه تخییر کرده است *
■ امروز دیگر سوسیالیسم است که مسیر تاریخ را تعیین میکند * امپریالیسم غلطان به
■ قعر پرتگاه نیستی نزدیک میشود *
■ خلقهای جهان دریافته اند که در اتحاد و با تکیه به نیروهای صلح و سوسیالیسم
■ و همه مردم ترقی خواه جهان شرایط لازم مادی و معنوی سرکوب امپریالیسم و دست
■ یاران خانگی اش را می یابند *
■ خلقهای میهن ما نیز از این روند تاریخی - جهانی بدور نیستند * نیروهای متر
■ و آزادپخواه میهن ما در اتحاد با یکدیگر و با طرد عوامل نفاق افکن و دوروی مائو-
■ ئیستی در راه سرنگونی رژیم سیاه محمد رضا شاهی و طرد قطعی امپریالیسم از ایران
■ گامهای همراهِ استوارتری بر میدارند *

با نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان دانشجویان دمکرات ایران

همکاری کنید

این آخرین تیر هم بهد ف نخواهد نشست

محمد رضا شاه برای درمان درد بی درمان رژیم محکوم بمرگش سرانجام شیوه فاشیستی حکومت را بعنوان آخرین علاج برگزید .
او روز یازدهم اسفند ماه گذشته طی نطقی مغشوشی که در آن بقول خودش " مطالب را قاطی میکرد ، شکست " آزمایش دکراسی " خود را اعلام داشت ، احزاب دربار دوگانه خود را ، که یکی ربرای ایفای نقش اکثریت و دیگری را " برای سروصدا " ساخته بود ، منحل کرد ، اعتراف ضمنی کرد که دیگر اینچنین نمی توان بر مردم حکومت کرد ، شیوه فاشیستی اداره کشور را بعنوان آخرین علاج تجویز کرد ، وسیله این شیوه فاشیستی حکومت را (علاوه بر ساواک و دستگاهش) ایجاد " یک تشکیلات سیاسی دانست که در آن " همه ، هر شخص ۰۰۰۰ از فردا ، حتما وارد این تشکیلات سیاسی بشود " .

این نطق " پیشوای وطنی " خوانده نمی است . حتما آنرا بخوانید که معجونی است از آشفتگی ، سراسیمگی ، لکننت زبان ، دروغهای شاهنشاهانه ، کبر بیمارگونه ، کین حیوانی نسبت به مردم و ترس جنون آمیز از آنها . محصول مغز " پیشوایان منتاز شده " و سازندگان راههای محلی امپریالیسم در شرایط دوران کنونی از این بهتر نمیشود .

محمد رضا شاه کشور را ارث پدرش میداند و مردم آنرا " همه " بندگان زرخید . او اهالی کشور را به سه نوع تقسیم کرد : آنها که وارد این تشکیلات واحد سیاسی بشوند (بعدا " آندیشمندان " بشیوه " برعکس نهند نام رنگی کافور ، نامشرا گذاردند " حزب !! رستاخیز !! ملت !! ایران ") ؛ آنها هیکه " توده ای هستند و جایشان در زندان " و قتلشان واجب است و آنها هیکه نه آندونه آینند ، که میتوانند " بدون عوارض کشور را ترک گویند " و یا اگر خواستند بمانند " دیگر توقعاتی " نداشته باشند .

پس " حزب رستاخیز ملت ایران " از نظر شاه الهام گران او و کارچاق کن هایش یک تشکیلات واحد سیاسی خواهد بود که در آنرا مانند دروازه بازداشتگاه ظمی میکشایند و با تازیانه پلیس و تهدید به زندان و تبعید و شکنجه و قتل مردم را ، " همه هر شخص ۰۰۰۰ از فردا ، حتما " در آن جا میدهند . هر کس مقاومت کرد یا " توده های

است "جایش زندان است و یا " مومن باین سه اصلی که من گفتم نیست " و دیگر غیر از تبعید " بدون عوارض " توقع دیگری از عمل عذاب " پیشوا " نداشته باشد چنین است فاشیسم مارك شا هنشاهی .

بد نهال این نطق حزب رستاخیز ملت ایران " ساخته شد و وزیران یا وزارتخانه ، کارخانه داران با کارخانه ، مدیران دانشگاهها با دانشگاه ، خلاصه " همه " وارد تشکیلات !! شدند ، در يك چشم پرهم زن حزب فاشیستی وطنی برپا شد (بنسب تبلیغات شاهنشاهی باور ندارید ؟)

ولی اگر " تعزین دمکراسی " دوحزبی فرمایشی در ایران ناکام شد ، تعزین فاشیسم شاهنشاهی ناکام تر خواهد بود . اگر مردم ایران بدام " دمکراسی " احزاب شه فرموده نیافتادند و آنها چنان بی اعتبار ساختند و در زیر ضربه گرفتند که دیکتاتور خونخوار از اداره آنها عاجز ماند ، بطریق اولی زیر بار فاشیسم شاهنشاهی نخواهند رفت .

و چون سازمان فاشیستی نو ظهور آخرین دارواست و این آخرین دارو نیز درد بسی درمان رژیم را درمان نخواهد کرد ، بدنهال شکست آن مرک رژیم شاهنشاهی حتمی است .

همه با هم بسوی این مقصود رهائی بخش !

يك سوال از " رستاخیز " :

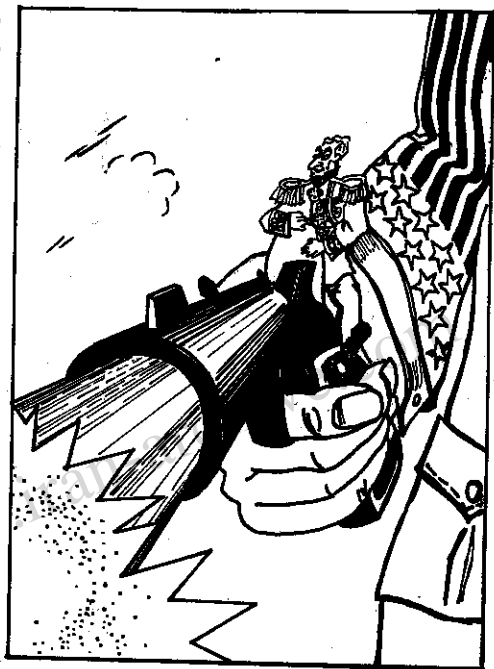
پس تکلیف "توفان" چه میشود ؟

توضیح : روزنامه " رستاخیز " - ارگان مطبوعاتی ساواک - بدنهال مطالعه عمیق و دقیق نظریات " درست " سازمان مائوئیستی توفان باین نتیجه رسیده بود که باین نظریات " بدون تردید راه برای اتحاد با سلطنت و ایجاد دمکراسی چند حزبی در کشور باز میشود و انقلاب اجتماعی ایران بمراتب شکوفاتر پیش خواهد رفت " (شماره ۱۰ ، دی ۵۲)

بعبارت دیگر " ساواک " از " توفان " دعوت کرده بود که " باشجاعت اخلاقی و علمی کاملی که از خود نشان " داده ، میتواند در کنار احزاب " ایران نوین ؟ " مردم " ، " پان ایرانیست " حزب چهارم مجازی باشد که در اتحاد با سلطنت در ایران فعالیت آزاد داشته باشد .

حالا با فرمان لغو احزاب مجاز دریاری و بجای همه آنها ایجاد حزب فاشیستی " رستاخیز ملت ایران " ، بنظر " رستاخیز " تکلیف " توفان " چه میشود ؟ آیا مانند آن سه حزب دیگر در " رستاخیز ملت ایران " حل خواهد شد و یا نقش جنبی خواهد داشت ؟ و باز برای مدت دیگری بخرابکاری درون جنبش انقلابی کشور و به تفرقه افکنی میان نیروهای ضد رژیم ادامه خواهد داد ؟

مانه تنها مسئولیت هک
 ملی و منطقه ای برعهده
 داریم، بلکه نقش پانچیا
 جهانی ۶۰٪ از ذخائر
 نفتی جهانی برعهده
 ماست. ۰۰۰ ژاپن ۹۰
 درصد نفت خود را از
 خلیج میگیرد، اما در
 وضعی قرارندارد که
 بتواند در منطقه اقدام
 کند. همین مسئله
 درباره اروپای باختری
 صادق است (اظهارات
 شاهنشاه -
 نیوزویک ۲۱ مه ۱۹۷۳)



توجه!

بعلت تراکم مطالب و محدود بودن صفحات مجله "آرمان"، چاپ مقالات متعددی که
 به ما رسیده است، از جمله "تاثیر خورده بورژوازی در جنبش دانشجویی"، "نهنگ
 خرابکار ۰۰۰"، "سیاست نظامیگری رژیم"، "کراندولا"، "پایگاههای نظامی
 امپریالیسم ۰۰۰"، "خرابکاری مائوئیستهای شهر کلن"، "قاچاق چی هروئین"،
 "مائوئیستها همکاری خود را با رژیم مغرور پهلوی نشان میدهند"، "رد تئوری درباره
 مارکسیسم"، "گزارش نماینده دانشجوئید مکررات در کنفره دانشجویان عراقی" همچنین
 اشعار و کاریکاتورها به شماره بعد موقوف شد. ما مطمئنیم که دوستان در این مورد تفاهت
 دارند و برای همکاری وسیعشان صمیمانه تشکر میکنیم. آرمان



بازی آزادی زندانیان سیاسی ایران مبارزین

LIBERTÉ
POUR LES PRISONNIERS
POLITIQUES EN IRAN

LIBERTÀ
PER I PRIGIONIERI
POLITICI IN IRAN

FREIHEIT
FÜR DIE POLITISCHEN
GEFANGENEN IN IRAN

Foreign Bureau of the Organisation of Democratic Students of Iran

این پلاکات توسط و
به ابتکار دانشجو
یان دمکرات ایرانی
در ایتالیا بصورت
رنگی چاپ شده .
قیمت هر عدد ۵ مارک
آلمان غربی است .
تعداد نیاز خود را
به " آرمان " اطلاع
دهید .
وجوه جمع آوری شده
اضافه بر مخارج چاپ
برای کمک به خانواده
زندانیان سیاسی
ایران در نظر گرفته
شده است .

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان دانشجویان دمکرات ایران

بهدارایران . آرمال

شماره بانکی

G. Soblich
Kreissparkasse Recklinghausen
Fil. Dorsten-Holsterhausen
Girokonto 1856974

آدرس پستی

Gustav Soblich
427 Dorsten
Friedenau 3
West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organisation of Democratic Students of Iran
Price: 0,50 DM or its equivalent in all other Countries